

SPRING, SUMMER, FALL, WINTER... AND SPRING



نقد فیلم بهار، تابستان، پاییز، زمستان و اینک دوباره بهار...

فصل‌های زندگی

ترگس دهنادی



داستان این فیلم بر روی یک مدار چرخشی و طی ۱۵ اپیزود برای مخاطب روایت می‌شود. هر اپیزود نماینده یک فصل از سال و فصلی از زندگی نقش اصلی فیلم است. این فیلم بیشتر بر مبنای سکوت و با کنش‌های نمادین شخصیت‌ها روایت می‌شود.

فیلمنامه این فیلم بر اساس سنبل و آیین‌های بودایی پیش می‌رود و بسیاری از کنش‌های داستانی با استفاده از مباحث عرفانی و آیینی بوداییان رمزگشایی می‌گردد.

ماجرای فیلم حول محور داستان یک راهب بودایی است که در دریاچه‌ای و داخل عبادتگاه شناور به روی دریاچه، همراه با پسر بچه‌ای زندگی می‌کند. زندگی پر رنج اما فارغ از دغدغه‌های انسان مدرن.

اپیزود اول فیلم فصل بهار است که با کودکی پسر بچه همراه شده است. کودکی که همراه با کنجکاو و شیطن است همان طور که اقتضای سن اوست. در طی این فصل از زندگی، استاد کنار اوست و برای چارچوب دادن به هنجارهای روح او تلاش می‌کند. اپیزود دوم فصل تابستان و

فصل نوجوانی پسر را به تصویر می‌کشد. نوجوانی که همراه گستاخی و اوج لذت جنسی و شهوت تنیده شده و در این اپیزود استاد توانی برای مقابله روح افسارگسیخته او را ندارد و در نهایت او را رها می‌کند.

اپیزود سوم پاییز است؛ با جوانی پسر شروع می‌شود که دیگر پاکی کودک‌کی و ناپختگی نوجوانی را ندارد. او در این اپیزود با روحی متلاطم به پیش استاد بازمی‌گردد. پسر بچه ابتدایی داستان در این اپیزود به قاتلی تبدیل شده که برای رهایی از خشم به غار تنهایی کودک‌کی‌اش پناه آورده است. و این بار هم استاد پا به پای او قدم برمی‌دارد. در تمام طول فیلم توجه نمادین به طبیعت و حیوانات به زیباترین وجهه ممکن بیان می‌شود و در تمام مسیر پیام خود را بدون نیاز به هیچ پیش زمینه ذهنی به مخاطب انتقال می‌دهد.

اپیزود چهارم فصل زمستان است؛ زمان آماده شدن برای بهاری دیگر. دریاچه یخ زده آماده از سر گرفتن حیات خویش است. مرد جوان به معبد بازگشته و اکنون که روحش آماده استاد شدن است جسمش را نیز با تمرینات

کارگردان: کیم کی دوک

سال تولید: ۲۰۰۳

ژانر: درام، جنایی، مهیج

بازیگران: اوه یونگ سو،

کیم کی دوک، کیم یئونگ

مین، یو جین ها

امتیاز آی ام دی بی: ۸/۱۰



توجه به نمادها

در تک تک اجزای

صحنه رعایت شده

است. حضور معبد

در دریاچه، معبد

شناور در آب و دور

از دسترس مردم

شهر، حضور قایقی

بر آب و... همه و همه

سخن‌های بسیار در

لایه‌های پنهانی بیان

می‌کند اما فیلمنامه

در هیچ کجای فیلم

این پیام‌ها را جار

نمی‌زند

آماده می‌کند، زنی ناشناس شاگرد بعدی را برای استاد جدید می‌آورد. مرد جوان مجسمه بودای جدیدی را به بالای دره می‌برد؛ همه چیز مهیای آفرینش دوباره می‌گردد و

و اینک دوباره بهار... اپیزود آخر. داستان فیلم از نو آغاز می‌گردد با این امید که داستان هر روزمان چیزی فراتر از دیروزمان باشد.

دیالوگ‌ها در این فیلم به حد بسیار چشم گیری کوتاه و کم هستند. در عوض فضا سازی و اتمسفر فیلم با مخاطب حرف می‌زند. به طوری که کمبود بیار کلامی این فیلم را میزانشن و جلوه‌های بصری به دوش می‌کشند.

توجه به نمادها در تک تک اجزای صحنه رعایت شده است. حضور معبد در دریاچه، معبد شناور در آب و دور از دسترس مردم شهر، حضور قایقی بر آب و... همه و همه سخن‌های بسیار در لایه‌های پنهانی بیان می‌کند اما فیلمنامه در هیچ کجای فیلم این پیام‌ها را جار نمی‌زند؛ بلکه هر مخاطبی با توجه به چارچوب‌های ذهنی خود به تحلیل و برداشت خواهد پرداخت.

توجه به حضور حیوانات و تطبیق خصلت‌های حیوانی با شرایط شخصیت در هر اپیزود یکی دیگر از ریزه کاری‌های دقیق فیلمنامه نویس و کارگردان این اثر کیم کی دوک است.

ساختار تعریف داستان فیلم مبتنی بر ساختار خرده روایی است و سخن پایانی فیلم تکامل روح و جسم آدمی و چرخه بازگشتی زندگی انسان است که در تمام طول اثر و همچنین در اسم متفاوت این فیلم تبلور یافته است.

در مسیر کمال

کیم کی دوک کارگردان فیلم که در سال‌های جوانی در کره، جوانی یاغی بوده پس از سفر به فرانسه و تحصیل نقاشی به کشور آغاز می‌کند. این سیر تحول درونی وی در فیلم کروکدیل به عنوان اولین اثر سینمایی‌اش به نمایش کشیده شده است. از فیلم بهار، تابستان، ... به عنوان نقطه عطف آثار این کارگردان می‌توان یاد کرد چرا که دیگر از شخصیت‌های خشن و هنجارشکن و از فضاهای متشنج و سرشار از استرس و از تراژدی‌های حزن انگیز که تا قبل از این فیلم در آثارش به وفور مشاهده می‌شد خبری نیست و در آثار بعدی‌اش نیز دیگر به چشم نمی‌خورد، گویا خود کارگردان نیز مانند رهرو جوان معبد در فیلم تحت تاثیر آموزه‌ها و معنویات حکمت شرقی دن قرار گرفته و دیگر آن کارگردان سال‌های قبل نیست.

فیلم همان گونه که از نامش پیداست چرخه تکرار شونده زندگی و طبیعت را به نمایش در می‌آورد. نام بهار، تابستان، پاییز، زمستان و اینک دوباره بهار انتخابی هوشمندانه برای چرخه کامل و تکرار شونده حیات در طبیعت است، مصداق واضح کلام روز از نوروزی از نو، تکرار حیات، تکرار خطاها، تکرار مسیری‌ها که